



basijaraku



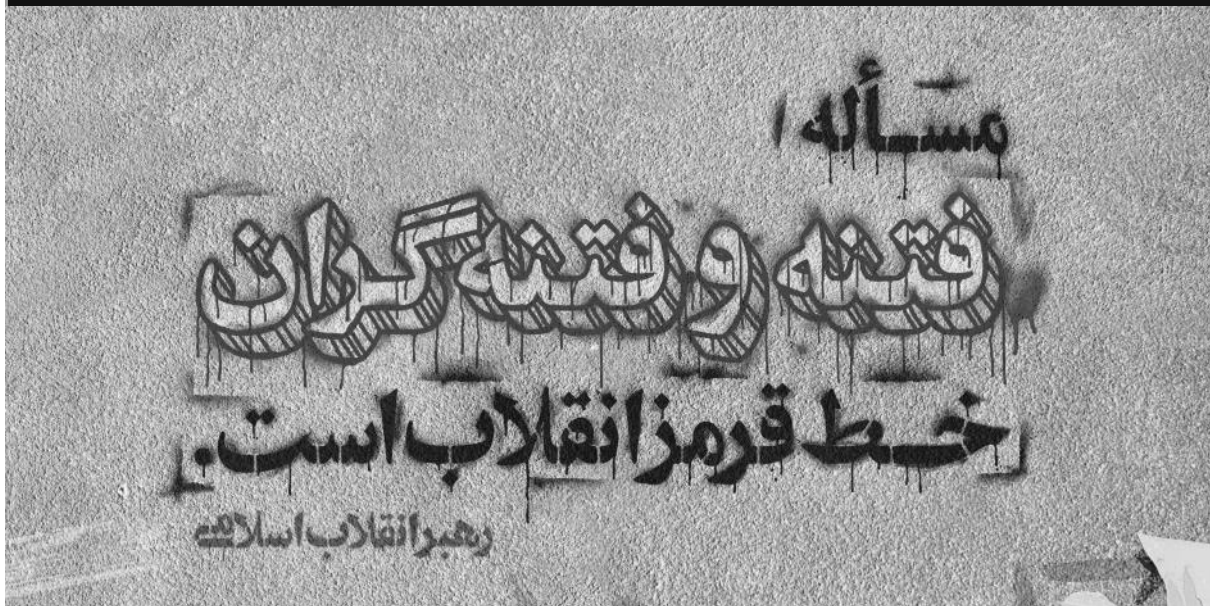
@basijaraku



basijaraku.ir



۰۹۳۷۱۴۰۵۹۳۵



کشتان انقلاب بدون سانسور



فتنه‌ی ۸۸ تنها آن چیزی نبود که توی خیابان به وسیله‌ی تعدادی آدم دیده شد؛ این یک چیز ریشه‌داری بود، یک بیماری عمیقی درست کرده بودند، اهدافی داشتند، زمینه‌ها و مقدمات فراوانی برایش چیده شده بود، کارهای بزرگی شده بود و هدفهای بسیار خطرناکی دنبال این کار بود، که با این برخوردهای گوناگون سیاسی و امنیتی و اینها حل نمیشد؛ یک حرکت عظیم مردمی لازم داشت؛ که این حرکت، حرکت ۹ دی بود؛ آمدند بساط فتنه و فتنه‌گران را در هم پیچیدند. لذا حادثه‌ی ۹ دی یک حادثه‌ی ماندنی در تاریخ ماست. من آن سال هم گفتم - پارسال بود یا پیرارسال بود - که این حادثه، حادثه‌ی کوچکی نیست. این حادثه، شبیه حوادث اول انقلاب است. این حادثه بایستی حفظ شود، بایستی گرامی داشته شود. **بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت حماسه ۹ دی ۹۰/۰۹/۲۱**

سجاد مظلومی

فتنه اکبر...

سرمقاله

این تحرکات تا جایی پیش رفت که با بازیچه قرار گرفتن برخی افراد و هدایتشان از شبکه‌های جاسوسی و معاند که مورد حمایت کشور های عربی و انگلیس و آمریکا بود حاضر به هتک حرمت به سالار شهیدان حضرت ابعبدالله الحسین در روز عاشورا ، آتش زدن قرآن و مساجد و بی احترامی به مقام امام راحل و مقام معظم رهبری شدند اما این مردم بصیر و انقلابی بودند که این آتش فتنه و ظلم را در ۹ دی که دست قدرت الهی پشت سر آن بود خاموش کردند و یکبار دیگر حماسه آفریدند. اما نکته ای که حائز اهمیت است اینکه انقلاب های موفق با درس هایی که در میانه مبارزاتشان کسب میکنند و با به کارگیری آن در ادامه حیاتشان روند تکاملی خود را طی می کنند هرچند مبارزه با دشمن پیچیده می شود و باید دانست فتنه گر و دشمن همیشه هست روزی در جنگ هشت ساله ، روزی در عرصه انتخابات و روز دیگر در "برجام" اما تجربیات انقلاب یکی از عوامل رفتار خردمندانه در مقابل حوادث پیش رو خواهد بود؛ علاوه بر تجربه ی مجدد بی اعتمادی آمریکا در مورد برجام، انتخابات سال ۸۸ یکی دیگر از تجربیات مهم انقلاب اسلامی بود که در این حین چهره‌ی واقعی بسیاری از افراد "جاهل و خائن" هم نمایان شد که جز خارطه گوئی در این روز ها هنر دیگه ای از خود به نمایش نمی گذارند. و در آخر به تشکل های یکبار مصرف انتخاباتی و برخی مسئولین دانشگاه که تزلزل و عدم ثبات در مدیریت و تصمیم گیری ها و سودای دعوت از افراد غیر مطمئن و حضور فتنه گران در دانشگاه را به هر بهانه ای دارند عرض میکنم اگر رفت اسلام و نظام نبود بارها بارها این افراد ظالم و خائن و "از نفس افتاده" و از راه برگشته محق اعدام بودند و بعد از هفت سال جای شکرش برایتان باقیست که زنده اند و در حصر به سر می برند و اگر نمی دانید بدانید که "فتنه" و "فتنه گران" خط قرمز انقلاب هستند و جریان انقلابی و حزب الله با مواجه شدن با چنین تصمیم هایی که در راستای تطهیر کردن و مظلوم نمایی این اشخاص در دانشگاه باشد و اکثرا نشان خواهد داد و لحظه ای کوتاه نخواهد آمد ...

شامگاه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و در حالی که هنوز رأی گیری در برخی از حوزه‌های انتخاباتی ادامه داشت؛ بخشی از یک جریان سیاسی تحرکات خود را برای ایجاد تردید و تشکیک در سلامت انتخابات که پروژه یک شبه نبود و از ماه ها و روزهای قبل از آن آغاز کرده بود وارد فاز جدید و جدی تری کرد. همین امر سبب استقبال رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب روبرو شد و با موج آفرینی‌های اجتماعی در روزهای بعد ادامه یافت. تنها چند روز بعد از این اتفاقات خسارت‌بار رهبر معظم انقلاب اسلامی را بر آن داشت تا سخنانی در تربیون نماز جمعه به تبیین و روشننگری پیرامون ابعاد موضوع بپردازند و با اعلام اینکه راه محبت و صفا باز است ، بنا را بر تفاهم و قانون و برادری بگذارید و سیاسیون و "دوستان قدیمی" را به تبعیت از قانون توصیه میکنم. این بیانات رهبری هرچند موجب شفاف شدن فضا برای عموم مردم شد اما متأسفانه از سوی برخی جریان‌ها و چهره‌های سرشناس سیاسی مورد توجه واقع نشد. ادامه یافتن معارضات و دمیدن در شعله‌های فتنه، نه تنها ظلم به مردم و نظام شد بلکه دشمن را هم نسبت به ضربه زدن به ملت و نظام اسلامی امیدوار کرد. با ادامه یافتن این تحرکات معاندانه و دشمن شادکن، رهبر انقلاب به تبیین روش نظام در برخورد با مخالفین پرداخته و ضمن تأکید بر مبنای "جذب حداکثری و دفع حداقلی" سعی کردند در چارچوب اصول از خارج شدن افراد از کشتی نجات نظام اسلامی جلوگیری کنند؛ اما غلبه ی هوای نفس ، لجاجت و قبيله گرایی مانع برگشتشان به دامن نظام اسلامی شد و همچنین رهبری معارضه با نظام و از بین بردن امنیت مردم را موجب برخورد نظام دانستند. علی‌رغم همه‌ی تبیین‌ها و دعوت‌ها، "برادران سابق" پاسخی درخور نداده و حاضر نمی‌شوند از موضوعی که خود به دروغ بودن آن اذعان دارند دست برداشته و "عذرخواهی" کنند، در حالی که برخی از آنها در جمع‌های خصوصی خود، به صراحت اذعان می‌کردند که در انتخابات تقلبی نشده است.

محرمانه!

صفحه ۲

یورتمه یا افسار گسیختگی دلار!؟

صفحه ۲

دلتنگی های عاشقانه

صفحه ۳

کلام آخر

صفحه ۳

سنگش بی تدبیر

صفحه ۴

محرمانه!

اخیرا خبری منتشر شد مبنی بر اینکه آقای محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه در جلسه ی شورای امنیت ملی مجلس گفته اند: "من اعتراف میکنم که اشتباه کردم به حرف جان کری اعتماد کردم" همچنین: "اگر استراتژی خودم را دنبال میکردم اکنون با مشکل مواجه نمیشدم"

عده ای می گویند که این سخنان نباید منتشر میشده چرا که جلسه محرمانه بوده است؛ جدا از حزب و جناح و سیاست و سیاست زدگی؛ باید بدانیم که مردم در همه جا در راس کار هستند، این مردم هستند که نمایندگان را انتخاب میکنند، مردم، مسئولین اصلی این مملکت هستند، مردم باید بدانند آمریکا بدعهد است، خلف وعده میکند، نه تنها نمایندگان موظفند این دست اخبار را به گوش مردم برسانند بلکه باید موارد این چنینی را فریاد بزنند، راز داری و مخفی کاری در اینجا معنایی ندارد که هیچ، خیانت در حق مردم است. البته گاهی نیز مسئولین باید راز دار باشند، اما برای مردم و بر اساس عقل و منطق، اگر چیزی در جلسات محرمانه گفته شد که مردم باید آنرا بدانند، موظف هستند که آنرا برای مردم فاش کنند، در غیر اینصورت است که راز داری معنا پیدا میکند...

از طرفی آقای ظریف موظفند که اگر اشتباهی کردند در مجامع عمومی بیان کنند و در حضور مردم مسئولیت آنرا بپذیرند نه اینکه برای آرام کردن نمایندگان مجلس در جلسه ای خصوصی این مهم را بیان کنند. از سخنان آقای ظریف بر می آید که نتوانسته اند استراتژی خود را در مذاکره پیش ببرند بلکه مجبور شده اند استراتژی تحمیلی که به عقیده ی من اعتماد به مستکبر است را به اجرا بگذارند و با اعتماد به استکبار برجامی را امضاء کنند که عملا صنعت هسته ای ایران را تضعیف کرده و



آمریکا با چه زبانی بگوید قابل اعتماد نیست؟

مردم و مسئولین نباید بدعهدی های آمریکا را فراموش کنند و هرچند سال یک بار برای اینکه مسئولین استکبار را به یاد بیاورند، مردم هزینه دهند. استکبار تا آخر بدعهد است و این مهم نباید به فراموشی سپرده شود... آقایانی که هنوز خواب آمریکا را می بینند و از برجام حمایت میکنند ببینند، ببینند که آمریکا آنقدر بدعهد شده است که آقا ظریف دیگر حاضر نیست با جان کری حتی در یک شهر باشد چه رسد به آنکه سر میز مذاکره بنشینند، این آقای ظریف همان است که با گشاده رویی با جان

به کشور ضربه ی اقتصادی بزند، اما سوالی پیش می آید، آقای ظریف بعد از چندین سال مذاکره کردن و تجربه هایی مثل مذاکره با سه اروپایی هنوز نمیدانند نباید به عهد های مستکبر دل بست؟ استکبار یعنی بدعهدی، یعنی زور گویی، یعنی شیطان بزرگ، آمریکا... گوی می خوانده است؛ حقیقت تلخ است، صدا و سیما نیز موظف است حقایقی که در کشور اتفاق می افتد را بدون غرض سیاسی بخ مردم برساند، اگر نگوید کلاه برداری کرده است، نمیتوانید به جای رسانه ی ملی گوش و چشم خود را به رسانه های استکباری بسپارید و از مجیز گفتنش لذت ببرید، مردم استکبار ستیز ما همیشه حقیقت جو بوده اند.

اما زمانی که دیدند برجام در حال احتضار است و دیگر کاری از دستشان بر نمی آید؛ آمدند مسئله ی منشور حقوق شهروندی را بیان کردند، خودشان نوشتند و برای همه پیام فرستادند که بروید و مطالعه کنید؛ حضرات وظیفه ی قوه ی مجریه مگر اجرای قانون نیست؟ شما کاری کنید که قانون اساسی در کشور حاکم شود، بودجه شهرداری را بدهید، مشکل آلودگی هوا حل شود، حقوق شهروندی پیشکشستان؛ دیگر کی میخواهید آنرا اجرا کنید؟! این منشور بیشتر شبیه به یک وعده ی انتخاباتی میماند تا یک منشور اجرایی.

دولت آقای روحانی سه سال است که مشکلات کشور از قبیل فساد های مالی، رکود و بیکاری را رها کرده و یا کم نشان می دهد، به امید آنکه آمریکا به عهدهایی که در برجام بسته عمل میکند. برجام رو به احتضار است و حتی امضا کنندگانش نیز از شکست آن میگویند اما برخی هنوز خواب آمریکا را میبینند.

انشاء... خدا بیدارشان کند...

مهدی محمدی / دانشجوی کارشناسی مهندسی مکانیک

یورتمه یا افسار گسیختگی دلار؟!

دلار ۴۱۰۰ تومانی! دلار در حالی در بازار ارز یکتازی سومین دلیل اینکه آمریکا بدنبال تقویت دلار و میکند که بنظر نمیرسد مسئولین امر، چاره ای برای تخریب سایر واحد های پولی در بازار های جهانی این کار اندیشیده باشند و یا حتی مسکنی هرچند موقت برای این مشکل تجویز نمایند. چهارم هم بی مسئولیتی مسولان بانک مرکزی و ورود دیر به بازار ارز می باشد. انداختن تقصیرات بر گردن دولت قبل اما در این موضوع چنان کارساز نمی باشد چرا که بسیاری از مسئولین توقف قیمت دلار بر ۳۵۰۰ هزار تومان را افتخار خود دانسته و بدان افتخار میکردند.

روحانی در سال ۹۲ در نقد دولت قبل:

"مشکل افزایش نرخ دلار از خودشیفتگی، مشورت نکردن و استفاده نکردن از ابزارهای علمی برای اداره ی کشور است."



در این باره میخواهیم به چهار دلیل افزایش نرخ ارز اشاره کنیم. دلیل اول این است که سالانه باید به اندازه تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی، به نرخ دلار افزوده شود تا به قیمت واقعی خود نزدیک شود، مشکل اساسی که در این حوزه وجود دارد این است که ایران سیاست واحدی را در این باره دنبال نمیکند. سیاست های هر دولت با دولت قبل متناسب است مثلا دولت قبل سیاست ثابت نگه داشتن نرخ ارز را دستور کار خود قرار داده بود که جواب هم ان جور ک باید و شاید نگرفت. دلیل دوم اینکه سیاست های بین المللی در نرخ ارز تاثیر گذار است، برای مثال اوضاع اقتصادی ایران با توجه به سیاست کنونی در دوران باراک اوباما و ترامپ یکی نخواهد بود چرا که اوباما خواستار این بود تا در ظاهر و به برجام اختلافات با ایران را از راه مذاکره حل کند اما رفتار سیاسی ترامپ و چینش کابینه ی او این روش را تایید نمیکند، پس قاعدتا با توجه به سیاست کنونی دولت ایران مسیر دشوار خواهد شد.

مهدی آقای / دانشجوی کارشناسی مهندسی مکانیک

قانون پایستگی بی اخلاق های وطن فروش از ۸۸ تا ۹۵

نامه اصلاح طلبان خارج نشین به ترامپ برای ایجاد یک رژیم جامع تحریم علیه مردم ایران! عدم تعامل با چرخ های ساتنرفیوژها را از حرکت انداختند و به ایران، ایجاد رویکردهای خصمانه تر و ابداع یک ساختار تحریم طاقف فرسا با کمترین امکان عبور از آن در خواست خارج نشینان روشن فکر به اصطلاح ایرانی تحریم طلب. کاسبان تحریم، عبارتی که در طی سالیان اخیر جناحی خاص آن را بر سر زبان ها انداخت و با سوار شدن بر روی موج تبلیغاتی آن، کاسبی، شانتاژ، برجسب زدن به جریانات انقلابی و استفاده رسانه ای از آن خود را مخالف تحریم نامید و آرای مردم را برای خود جمع کرد.

بکنند. تحریمی که مسئولان امروز برای رفع آن حتی آمریکا بد عهد لبخند نشان دادند. مذاکره ای که شاید آنطور که مبیایست به نتیجه نرسید و امروز مردم منتظر پاسخ به نقض های مکرر طرف مقابل اند. نکته ی جالب توجه اما زمانی خود نمایی میکند که بدانیم دقیقا هنگامی که مسئولین و افکار عمومی همگی متحد و در برابر نقض عهد آمریکا و تمدید تحریم های ده ساله علیه ایران به فکر جوابی دندان شکن افتاده اند، عده ای که خود را پرچمداران اصلاح طلبی در خارج از کشور می دانند، در حرکتی خیانت کارانه و خود فروخته نامه ای به رئیس جمهور هنوز بر سرکار نیامده ی آمریکا یعنی ترامپ نوشته و از او خواستار اعمال رژیم جامع تحریم هایی سخت علیه ایران بوده اند!! اوج این وطن فروشی آنجاست که این گروه وطن فروش، داعش و جمهوری اسلامی ایران را دو روی یک سکه دانسته و معتقدند، این دو باید در خاورمیانه جایگزینی پیدا کنند!!!

حال بهتر میتوان عبارت کاسب تحریم را درک کرده و راجع آن فکر کرد. تحریمی که در برابر ملت دم از تلاش برای رفع آن زده و ژست روشنفکر و مردم دوست به خود میگیرند اما نه تنها در خفا بلکه آشکارا دست به قلم شده و به منتخبی که هنوز رسما رئیس جمهور نشده، نامه نوشته و میخواهند که هموطنانشان تحریم شوند! قانون پایستگی بی اخلاق های وطن فروش از ۸۸ تا ۹۵ همیشه برقرار بوده است، وطن فروش ها از بین نمیروند، بلکه از داخل به خارج کشور منتقل شده و یا در نقش سران فتنه و گاه در نقش خارج نشین های روشن فکر تجلی می کنند.



تحریم، کلمه ای که بارها توسط سران جنبش سبز یا همان فتنه گران خودمان در نامه ای به کلinton، وزیر خارجه وقت آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. نامه ای که در جواب دو سوال طرف آمریکایی، که از جریان فتنه خواسته بودند روشن کنند برای کمک به جریان اتفاقات فتنه ۸۸ چه باید بکنند و چه نباید

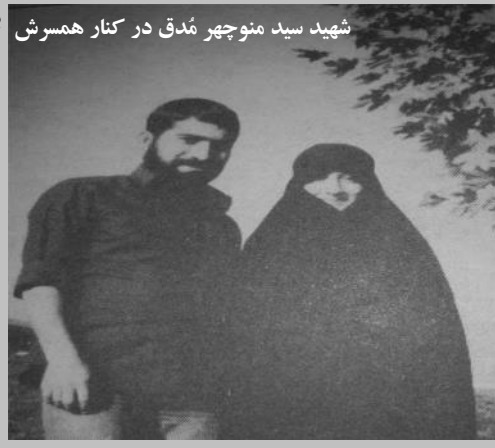
ابوالفضل احمدی / دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

دلتنگی های عاشقانه

(روایتی از زندگی جانباز شهید سید منوچهر مدق)؛ بخش دوم

... منوچهر در عملیات کربلای ۵ شیمیایی شده بود. جنگ که تمام شد برگشت تهران. آن روزها وضع اقتصادی کشور مناسب نبود و منوچهر چند جا کار میکرد. اما کم کم حالش رو به وخامت گذاشت. بعد از چندین بار دکتر رفتن دکترها تشخیص سرطان روده دادند که به معده زده بود.

جواب کمیسیون سپاه هم آمده بود، جانباز نود درصد. بعد از تشخیص قطعی منوچهر شروع به شیمی درمانی کرد. موهایش ریخت و حالش خیلی بد میشد. نمیدانم دردی که من می کشیدم بدتر بود یا دردی که منوچهر می کشید. دلم می سوزد می گویم کاش یکبار داد میکشید و دردش را می ریخت بیرون. منوچهر خیلی لاغر شده بود. با آن روزهای اول که مقایسه میکردم. اما به چشم من فرق نداشت همان منوچهر بود. همان قدر دوستش داشتم. هر



شهید سید منوچهر مدق در کنار همسرش

چه سختی بود با یک نگاهش می رفت. همین که جلوی همه میگفت: یک موی فرشته را هم به دنیا نمیدهم. تا آخر عمر نوکرش هستم. خستگی هایم را می برد. بعضی چیزها بد دل من و منوچهر را می سوزاند. منوچهر دوست نداشت ناله کند برای همین راضی میشد به مرفین زدن. اما توقع نداشت که از یک دوست بشنود: اگر جای تو بودم، حاضر میشدم بمیرم از درد، اما معتاد نشوم. یک شب تلویزیون فیلم جنگی داشت. فرمانده فریاد زد: حمله کنید. بکشیدشان. نابودشان کنید. یکم منوچهر فریاد زد: این چه وضع فیلم ساختن است. کدام فرمانده جنگ می گفت حمله کنید. مگر کشورگشایی بوده؟ چرا همه چیز را ضایع میکنید؟

سال تحویل ۷۹ انگار آگاه بود که سال آخر است. به دل ما هم برات شده

بود. همه دلتنگ بودیم. من و بچه ها را بغل می کرد می گفت: هیچ فرقی بین رفتن و ماندن نیست. هشتم پیشان. فرقتش این است که من شما را می بینم ولی شما من را نمی بینید. همین طور نوازشتان میکنم. اگر روحمان به هم نزدیک باشد، شما هم من را حس می کنید. منوچهر همیشه می گفت: من هم دوست دارم فرشته. ولی هر چیز حد مجاز دارد. نباید وابسته شد. بعد از عید دیگر نمیتوانست پایش را روی زمین بگذارد. ریه اش، دست و پایش، بینایش و اعصابش همه بهم ریخته بود. یکبار که از خواب بلند شد روی لبش خنده بود. خواب دوستان شهیدش را دیده بود که منتظر او هستند و گفته اند که باید با فرشته وداع کنی و او را راضی به رفتنت کنی. روز آخر در بیمارستان غسل کرد و من بعدش تند تند شروع به دعا خواندن کردم. گریه ام گرفت. گفت: تو را بخدا، تو را به جان عزیز زهرا دل بکن. خودخواه شده بودم. حاضر بودم که درد بکشد ولی پیش من

بماند. دستم را آوردم بالا و گفتم: خدایا راضیم به رضایت. دلم نمی خواهد منوچهر بیش تر از این درد بکشد. منوچهر لبخند زد و شکر کرد. خواستند منوچهر را ببرند سی سی یو. با دوستش دست انداختیم زیر کمرش و از روی تخت بلندش کردیم. ناگهان کمرش زیر دستم لرزید و منوچهر شهید شد. منوچهر همیشه آرزو کرده بود آخرین لحظه روی تخت بیمارستان نباشد.

می آید پیشمان. گاهی مثل یک نسیم از کنارم رد می شود. بچه ها هم احساس می کنند. تا منوچهر بود ته غم را ندیده بودم. حالا شادی را نمی فهمم. این همه چیز توی دنیا اختراع شده، اما هیچ اکسیری برای دلتنگی نیست.

علیرضا کشاورز / دانشجوی دکترای شیمی

فرهنگ گمشده امروز دانشجوی؛ بخش اول

فرهنگ از آن دسته مقولاتی است که در هر موضوعی وجود دارد، به ندرت میتوان موردی را پیدا کرد که بیگانه از فرهنگ باشد. از فرهنگ شهرنشینی و آپارتمان نشینی تا فرهنگ راندگی، از فرهنگ کشور تا فرهنگ خانوادگی فرهنگ شخصی و فرهنگ دانشجویی. متأسفانه باید بگوییم علی رغم اهمیت بسیار بالای فرهنگ در جای جای زندگی شخصی و عمومی ما، این مقوله یا فراموش شده یا نادیده گرفته شده و حتی اگر بگوییم برخی ها اصلاً نمیدانند فرهنگ چیست، جای تعجبی نیست... مقام معظم رهبری در کتاب دغدغه های فرهنگی به اهمیت بالای کار فرهنگی و فرهنگ اشاره می کنند و می فرمایند جوان ها باید بروند به سمت کارهای فرهنگی و زیاد نباید به مسائل سیاسی بپردازند، البته خود ایشان اشاره میکنند که منظورشان این نیست که سیاست را فراموش کنند بلکه منظورشان این است بیشتر به مسائل فرهنگی پرداخته شود تا سیاسی. دانشجوی هم بعنوان یک قشر فعال و تأثیرگذار در جامعه دارای فرهنگ هایش است که در صورت عدم رعایت این فرهنگ ها، باعث به وجود آمدن هرج و مرج و حواشی زیادی می شود.

فرهنگ گم شده ی دانشجوی تعبیری است که در این متن بکار گرفته شده تا شاید قدمی برداشته شود در جهت احیای این فرهنگ. دانشجوی در قدم اول باید فرهنگ نام خود را زنده کند، دانشجوی یعنی بدنبال علم و دانش رفتن نه مانند دانش آموزان که فقط می آموزند منتظر تکلیف گفتن و مشق نوشتن و صرفاً با یک کیف به دانشگاه آمدن



دانشجویی که تحصیل کرده است و سختی های زیادی را برای ورود به دانشگاه، پاس کردن واحدها و رفت و آمدهای طاقت فرسا از شهرستان تحمل کرده تا لقب دانشجوی بگیرد، چرا اینقدر ساده لوحانه در برخی قضایا قضاوت میکند و تصمیم و جبهه میگیرد؟ چرا بدون تعصب فکر نمیکند؟ شک نداریم که دانشجوی مطالعات غیر درسی فراوانی دارد اما چرا به دنبال منابع شبهه دار و آن طرف آبی می رود؟

نکته ای که به شدت دردآور است و باید برایش خون گریه کرد این است که تحصیل کرده است و سختی های زیادی را برای ورود به دانشگاه، پاس کردن واحدها و رفت و آمدهای طاقت فرسا از شهرستان تحمل کرده تا لقب دانشجوی بگیرد، چرا اینقدر ساده لوحانه در برخی قضایا قضاوت میکند و تصمیم و جبهه میگیرد؟ چرا بدون تعصب فکر نمیکند؟ شک نداریم که دانشجوی مطالعات غیر درسی فراوانی دارد اما چرا به دنبال منابع شبهه دار و آن طرف آبی می رود؟

رضا بدای / دانشجوی کارشناسی شیمی



کلام آخر

پیش از این در خصوص روابط نامشروع پیش از ازدواج و همچنین مشکلات پیش روی ازدواج جوانان سخن کردیم. در این شماره قصد داریم در حد توان راهکارهایی را برای حل این معضلات ارائه دهیم. مشکلاتی که در ازدواج برای جوانان وجود دارد شاید در دید اول لا ینجل باشد، اما اگر کمی در این مشکلات تعقل کنیم، خواهیم یافت که بسیاری از این مشکلات با نادیده گرفتن رسوم غلط رایج ازدواج جوانان در جامعه ی فعلی برطرف خواهد شد. نادیده گرفتن رسوم غلطی که آن را عرف مینامند و ریشه در باور های غلط ایجاد شده در اذهان مردم دارند و هنگامی این مسائل مرتفع خواهد شد که هدف اصلی از ازدواج جوانان را بازباییم. حال این سوال بوجود می آید که مگر نه اینکه غایت ازدواج جوانان رسیدن به آرامش و کمال در کنار کسیست که او را تکمیل میکند؟ و مگر ازدواج شریک شدن برای ساختن زندگی با تلاش و کوشش نیست؟ و مگر قرآن نمیگوید لیسکنوا الیها؟ پس چرا ما راه را گم کرده ایم و حلاوت و شیرینی زندگی مشترک را در کام جوانان تلخ میکنیم؟ مگر بنای اسلام بر سادگی نیست؟ پس چرا حتی برای انجام سنت پیامبر هم درگیر تجملات شده ایم؟ کجای اسلام حرف از هزینه کردن های گزاف (که عامل سخت شدن این فریضه ی به حق واجب جوانان است) شده؟ و مشخصاً زندگی مشترکی که با این سختی ها شروع شود پایان خوشی ندارد و نخواهد داشت.

اما باید با بازیابی مبانی ناب اسلامی و نظر به سیره ی شهدا، ما راه گم کردگان، مسیر اصلی خود را بازباییم و ازدواج را تسهیل کنیم و گامی در جهت القای فرهنگ صحیح ازدواج برداریم. همه ی جوانان باید با توکل به خدا و ایمان به رزاقیت خدا گام در این عرصه نهند و با صبر، غبار رفتار های جاهل مابانه را از دیدگان جامعه ی کنونی ما و علی الخصوص خانواده های خود بزدایند.

براستی چه نیاز به جهیزیه های آنچنانی در حالیکه اگر جوانان، خود با تلاش وسایل زندگی خود را تهیه کنند و خود ساخته باشند قدر آن را بیشتر می دانند و از آن بیشتر لذت میبرند؟

چه نیاز به هزینه کردن های نابجا برای مراسمات آنچنانی که فقط برای چشم و هم چشمیست؟ و مگر چه اشکالی دارد زندگی در کنار والدین تا مهیا شدن امکانات لازم؟ (در گذشته بر اساس باوری درست و خرد پذیر جوانان پس از ازدواج مدتی در کنار والدین خود زندگی میکردند تا هم از دانش و تجربیات آنان استفاده کنند و هم در ابتدای زندگی سر پناهی داشته باشند. اما در دنیای معاصر و عصر مدرنیته، جوانان تحت تاثیر عوامل گوناگون حاضر به زندگی با والدین نیستند، اگرچه میتوانند در این بازه از زمان صرفه جویی بسیار خوبی برای تهیه ی مسکن کنند.)

و وا اسفا به حال کسانی که به این سنت های غلط دامن میزنند و به کوس سخت کردن ازدواج جوانان میکوبند. یاد باد روزگارانی که وقتی قرار بود دو جوان ازدواج کنند همه ی همسایه ها و فامیل و ... دست به دست هم می دادند و مراسمی ساده اما پر از مهربانی را برگزار میکردند و جوانان راهی خانه بخت میشدند. اما امروز بهترین فرصت است تا جوانان با بررسی سیره ی معصومین متوجه شوند که خوشبختی و سعادت و آرامش در زندگی به مهریه و جهیزیه و ... نیست، بلکه عشق و محبت و گذشت در زندگی میتواند تضمین کننده ی یک زندگی آرام باشد.

در آخر همه ی جوانان باید با نگاهی ژرف تر به ازدواج نظر کنند و این امر مقدس را با دلایل واهی به تعویق نیندازد و با سازش در زندگی مشترک یکدیگر را در رسیدن به کمال یاری کنند.

والسلام

نیمه بوالحسنی / دانشجوی کارشناسی فیزیک

سنجش بی تدبیر

تغییر در آزمون کارشناسی ارشد امسال دانشگاه‌ها تنها به حذف کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد و برگزاری آزمون متمرکز ختم نمی‌شود بلکه تغییرات به تغییر دروس و ضرایب در برخی رشته‌ها هم رسیده است. بعد از حواشی آزمون دکتری که همچنان پابرجاست، آزمون کارشناسی ارشد امسال دانشگاه‌ها نیز از همین ابتدای کار پر سر و صدا آغاز شده است و ضمن حذف کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد و برگزاری آزمون متمرکز، تغییرات به تغییر دروس و ضرایب در برخی رشته‌ها هم رسیده است. شاید متمرکز کردن آزمون ارشد خیلی به نحوه درس خواندن و نحوه برنامه ریزی آنها در این چند ماه منتهی به آزمون مرتبط نباشد، اما تغییر ناگهانی دروس و ضرایب در برخی رشته‌ها مطمئناً در روند درس خواندن دانشجویان خللی اساسی ایجاد می‌کند و داوطلبان در مدت ۴ ماه باید خود را با این تغییرات وفق دهند. این

تغییرات که حداقل در ۱۶ رشته اتفاق افتاده است، گاهی تا حذف یک عنوان درسی و یا اضافه شدن یک یا چند عنوان درسی و یا حتی حذف یک رشته پیش رفته است و همین امر موجب نگرانی و اضطراب داوطلبان شده است. **رشته ای پرمخاطبی که به طور کامل حذف شد!** در همین راستا تعدادی از داوطلبان آزمون ارشد سال ۹۶، که قصد داشتند در گروه امتحانی مدیریت اجرایی آزمون دهد، اینگونه اعتراض خود را مرقوم کردند: حذف ناپهنگام رشته "مدیریت اجرایی" از کنکور کارشناسی ارشد و نیز اعلام دیرهنگام خبر آن در شرایطی که تنها ۴ ماه تا کنکور کارشناسی ارشد زمان باقیست، آزدگی خاطر خیل عظیمی از داوطلبان این رشته را سبب شده و تلاش‌های شبانه روزی چند ماه اخیر این عزیزان را به هیچ بدل ساخته است. کمترین انتظار افکار عمومی از نظام آموزش عالی، اطلاع رسانی به موقع تغییرات محتوا و سرفصل دوره های آموزش

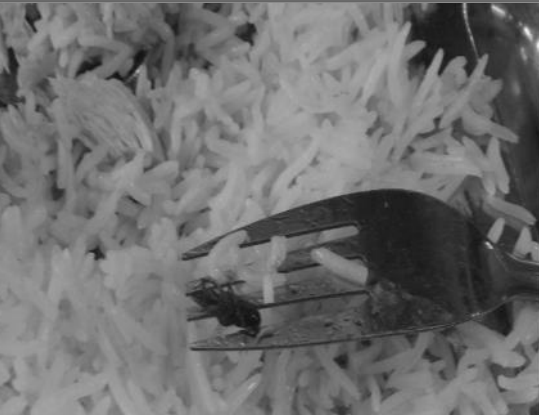


عالی می باشد تا هرگز حقی از هیچ کس ضایع و تباه نگردد. تقاضای مصرا نه داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد رشته مدیریت اجرایی و دانشجویان کنونی و فارغ التحصیلان این رشته پرمخاطب این است که تجدید نظری در تصمیم مذکور صورت پذیرد و پذیرش این رشته از طریق کنکور کارشناسی ارشد سال ۹۶ کما فی السابق در دستور کار سازمان سنجش آموزش کشور قرار گیرد. حذف این گروه امتحانی در حالی صورت گرفته است که هم اکنون داوطلبان این آزمون باید در چند روز آینده تصمیم خود را برای شرکت در یک رشته جدید بگیرند و با توجه به تغییرات دروس و ضرایب سایر گروه ها، این تصمیم چندان آسان نخواهد بود. همچنین تغییرات گسترده ضرایب دروس در رشته های مکانیک برق کامپیوتر IT برنامه ریزی های داوطلبین را کاملاً بهم ریخته و به نوعی با سرنوشتشان بازی شده است در صورتی با استاد به تبصره چهارم از ماده پنج قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور که سال گذشته ابلاغ شده است، این تغییرات حداقل باید یکسال قبل اعلام شود و در بدترین حالت، حداکثر می‌شود ۱۰ درصد تغییر کند، اما تنها تغییرات محدود نیست حتی رشته مدیریت اجرایی نیز حذف شده است!!!!

واکنش سازمان سنجش: ما هیچ‌کاره ایم! توکلی مشاور عالی سازمان سنجش و آموزش کشور صبح شنبه در گفت و گویی در پاسخ به اعتراض داوطلبان کارشناسی ارشد به حذف برخی رشته‌ها و ضرایب دروس این آزمون گفت: سازمان سنجش در این زمینه تصمیم‌گیرنده نیست و فقط مجری مصوبات مراجع قانونی محسوب می‌شود اما این گفته تناقض آشکاری با قانون مصوب مجلس دارد و نیازمند بازنگری سازمان سنجش و وزارت علوم است.

بی شک پیشرفت علمی و گفتمان پیشرفت علم یکی از مهمترین راههای دستیابی به اقتدار سیاسی و اقتصادی در هر جامعه ای است. اما مسئله مهم این است که به چه طریقی می توان به پیشرفت علمی که زمینه ساز اقتدار سیاسی و اقتصادی است دست یافت که این مهم یکی از وظایف دانشگاههاست. بیان این کلمات و واژه ها به گفتار بسیار ساده اما در عمل با چالشهای جدی روبروست. موضوع جنبش نرم افزاری و تولید علم در سال های اخیر بارها از سوی مقام معظم رهبری مطرح گردیده است. درحال حاضر ارتباط سیستماتیک بین نظام آموزشی، ساختار شغلی و نیازهای جامعه وجود ندارد. متأسفانه یکی از شاخص های مهم ارتقا علمی اساتید در دانشگاه ارایه و چاپ مقالات ISI می باشد. چه بسا که در این شرایط تحقیقات انجام شده به هیچ وجه مرتبط با مشکلات جامعه ما نبوده و حتی در برخی از موارد کمک حال کشورهای دیگر می باشد. و موضوعی که جای بسی تأمل و البته تأسف دارد اداره دانشگاه ها توسط گروههای سیاسی و سیاسی کای هاست که بی شک می تواند در روند پیشرفت علم خدشه وارد کند. این بدان مفهوم نیست که دانشجو و دانشگاه سیاسی نباشد بلکه این مسئله لازم است معکوس شده، به طوری که دانشگاه باید تبیین کننده مسائل سیاسی و اجتماعی در جامعه باشد. موارد ذکر شده فوق تنها بخشی از موانع موجود در دانشگاهها برای رسیدن به پیشرفت علمی کشور و گسترش گفتمان علمی است که امید است با استفاده صحیح و بجا از ظرفیت های موجود در جهت رفع آنها اقدام شود.

بدون شرح خوراکی "سوسک و مرغ" - یکشنبه ۵ دی - سلف پردیس



شناسنامه هفته نامه تحلیلی، سیاسی، فرهنگی "صبح قریب" صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه اراک

مدیر مسئول: محمدرضا شفیق زاده
 جانشین مدیر مسئول و سردبیر: داوود مولوی
 هیئت تحریریه:
 ابوالفضل احمدی، نیما بوالحسنی، امیر رضا طهماسبی، خانم عسگری
 طراحی و صفحه آرایی: کانون رسانه بسیج دانشجویی
 با تشکر از:
 تمامی دوستانی که ما را در این شماره یاری کردند.

بودجه پژوهشی سال آتی، با دو هزار میلیارد تومان افزایش نسبت به سال ۹۵ برابر ۱۶ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد. قابل تأمل آنکه افزایش بودجه پژوهشی کشور در سال ۹۶ در حالی صورت می‌گیرد که بودجه مصوب پژوهش در سال ۹۵ تحقق نیافته است. با این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که بودجه پژوهشی کشور صرفاً روی کاغذ افزایش می‌یابد و با ادامه شرایط کنونی، به تخصیص بودجه ۱۶ هزار میلیارد تومانی امیدی نیست. به‌طور کلی می‌توان گفت تردیدی وجود ندارد وضعیتی که امروز در حوزه بودجه پژوهش و فناوری با آن مواجهیم، به‌طور عمده از نگاه غیر کاربردی مسئولان برنامه‌ریز و تصمیم‌گیر کشور به حوزه پژوهش ناشی می‌شود و ادامه این روند بدون شک تبعات نامطلوب بسیاری برای کشور به دنبال خواهد داشت. البته عدم تخصیص بودجه مذکور در چند سال گذشته نیز این مسئله را به ذهن متبادر می‌سازد که تا به حال سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح و دقیقی نسبت به

معضلی به نام "بودجه پژوهش" ...

یکی از مسائل مؤثر در روند پژوهش کشور، موضوع تأمین مالی آن است. طی چند سال گذشته، کمبود بودجه به‌عنوان یکی از موانع جدی بر سر راه پژوهش کشور، قد علم کرده است. این مسئله، فعالیت مراکز تحقیقاتی و پژوهشی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داده و متأسفانه هیچ عزم و اراده‌ای برای عبور کشور از این وضعیت بحرانی و رسیدن به آنچه در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته است، وجود ندارد. به‌رحال با ادامه بی‌توجهی‌ها به مقوله افزایش بودجه پژوهشی در کشور که بارها انتقاد رهبر انقلاب را نیز در پی داشت، اواسط سال ۹۳ با ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فناوری، دولت ملزم شد سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی را تا سال ۱۴۰۴ به ۴ درصد افزایش دهد. به‌رغم این تأکید برخی کارشناسان مدعی هستند از حدود ۱۰ سال گذشته تاکنون سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی همچنان از حد نیم درصد بالاتر نرفت و این سهم ناچیز پژوهش، امور تحقیقاتی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. از طرف دیگر در هفته اخیر لایحه بودجه سال ۹۶ توسط رئیس‌جمهور تقدیم مجلس شد. یکی از نکات قابل تأمل در لایحه مذکور، افزایش بودجه پژوهشی بود. در این لایحه، کل



فریاد